

بحران دچار خواهد شد که اگر این شکاف میان توانایی دولت با توقعات جامعه بیشتر شود، جامعه به سوی نوعی انفجار پیش خواهد رفت. در این میان، نکته مهم آن است که اگر این توقعات و انتظارات به هر صورت نتواند روند منطقی خودش را دنبال کند، در این صورت، دو عکس العمل روی می دهد: برای طبقه میان سال که به تغییر، دل بسته بوده اند، اگر موانع چنان باشد که سرخوردگی ایجاد کند، نوعی بی تفاوتی حاکم می شود، ولی برای طبقه جوان اگر حس کند که راه هایی برای بیان اعتراض وجود دارد و او می تواند به صورت مسالمت آمیز یا شبه مسالمت آمیز، اعتراض خودش را بیان کند، به اعتراض مسالمت آمیز بسنده می کند. اما اگر راه هم بسته شود، آنچه که در مسابقات فوتبال و پی آمدهایش دیدم، رخ

خواهد داد.

چرا با اعتراض ها این گونه برخورد می شود؟

- وقتی در یک حکومت، تساهل و سازگاری با تفکر و عقاید متفاوت رعایت نمی شود و وقتی در جامعه تحمل پذیرش انتقاد وجود نداشته، به طور گریزناپذیر به خشونت روی آورده می شود. چون در واقع حکومت می داند که نفوذش مؤثر نیست و پاسخ جوان را نمی تواند تحمل کند. این به آن دلیل است که حکومت جوان را باور ندارد و حتی اگر به طور مقطعی و ظاهری هم بخواهد جوان را تأیید کند، پس از مدتی به همان دوران سابق باز می گردد.

آینده این اعتراض ها چه خواهد شد؟

- معنای اعتراض در خودش نهفته است.

ممکن است اعتراض مسالمت آمیز باشد و یا توأم با خشونت، در صورتی که جو برای اعتراض مسالمت آمیز باز نباشد، اعتراض به نحو گریزناپذیری به سمت اعتراض خشونت آمیز سوق داده می شود و اعتراض توأم با خشونت، هشدار است به مجموعه حاکمیت که در مواضع و دیدگاه هایش تجدیدنظر نماید. حال اگر کسانی حاضر به تغییر نباشند، در شرایطی مجبور به اعمال این تغییر خواهند شد که دیگر دیر شده است.

به همین دلیل، فکر می کنم اعتراض کنونی جوانان می تواند به نظام برای تغییر و تعدیل دیدگاه هایش هشدار دهد. اما اگر نظام در مقابل این اعتراض ها ایستادگی کند، جوانان را به سمت رفتارهای افراطی سوق می دهد.

بگذارید مردم فریاد بزنند، جوانان شادی کنند و آواز بخوانند

من در جنبش توده ای جوانان، هیچ خطری نمی بینم، جوانان ما اوباش نیستند؛

عیب از مدیریت کشور است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تظاهرکنندگان نه اوباش هستند و نه وانداالیست، بلکه عواملی که عمدتاً به سوء مدیریت سازمان های دولتی و نحوه برخورد نیروهای حافظ نظم مربوط می شود، زمینه ساز اصلی رویدادهای اخیر به حساب می آید. پاسخ و پرسش گزارش با دکتر صدیقی سروستانی را در زیر مطالعه می فرمایید:

وقایع اخیر را از منظر آسیب شناسی اجتماعی چگونه تحلیل می کنید؟

- به نظر من، منفک از مسایل ورزشی، این اتفاقات قابل پیش بینی بوده است. حتی به نظر می رسد صرف نظر از اینکه ما مسابقه ورزشی داشته باشیم یا نه، این وقایع رخ خواهد داد.

دکتر رحمت الله صدیق سروستانی، استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از دیدگاه ویژه یک جامعه شناس



دکتر رحمت الله صدیق سروستانی

ریشه های تظاهرات اخیر را مورد بررسی قرار می دهد. او هم معتقد است

علت این است که جوانان این مملکت باید یک جایی هیجان جوانی را خالی کنند. از یک طرف، ما با آثار جوانی مقابله کردیم یعنی اگر جوانان با هم کلتگر کردند، ما به جمع آنان حمله بردیم، اگر جایی شادی کردند، به شادی شان حمله کردیم، اگر نوار گوش کردند، ماشین آنها را نکه داشتیم، اگر دست دختری را گرفتند، و راه رفتند استنطاق کردیم که او چه کاره شماست؟ و....

نظر من این است که آدم تنهایی می تواند غصه بخورد، ولی نمی تواند تنهایی شاد باشد، چون شادی اصلاً طبیعت اجتماعی دارد. به همین دلیل هم، هر جایی که خوشحالی می کنند، کارناوال به راه می اندازند. به گذشته خودمان نگاه کنید... حتی در

بلکه برای کنترل مختلفی که آتش می‌زند و سر می‌شکند، باید وارد عمل شود.

آینده این نوع حرکات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- اگر با این رویدادها با واقع‌گرایی و خردمندی برخورد شود، با مسأله حادی مواجه نخواهیم شد، زیرا بچه‌های ما نه واندالیست هستند و نه هولی‌گان. واندالیست کسی است که با نمادهای صنعت مخالف است، هولی‌گان هم یعنی اوباش و چاقوکش. اما اصلاً بچه‌های ما این‌طور نیستند. چون جوان ۱۵ ساله که نمی‌تواند هولی‌گان باشد. به نظر من، ما به اعتراض توده‌ای و شدید عادت نکرده‌ایم، ما به موافقت توده‌ای عادت داریم. وقتی انتخابات بوده، سی میلیون رای داده‌اند؛ اما عادت نکرده‌ایم که مثلاً صد هزار نفر مخالف باشند. وقتی اینطور می‌شود، سوء تدبیر برخی نیروها هم اضافه می‌شود و یک دفعه شوکه می‌شویم. احصای اطلاعات هم نمی‌کنیم و اولین چیزی که به نظرمان می‌رسد، اینست که این افراد با ما مخالف هستند و می‌خواهند ریشه ما را بزنند؛ بنابراین یا خرابکار هستند یا ضد انقلاب، یا منافق و یا کافر.

بهر حال، من از یکی دو روز بعد از بازی با بحرین، تفاوت‌هایی نسبت به قبل از این بازی حس کردم یعنی به نظر می‌رسد که تحولی در بینش عمومی و در صدا و سیما رخ داده است: جبهه‌گیری در وضعیت حمله به یک عده اوباش، خرابکار و نگرش خشک بی‌مدارا، به نگرش مدارا و تحمل‌پذیری تبدیل شده و اکنون دیگر الفاظ خرابکار و اوباش حتی از سوی مقامات رسمی هم کمتر به کار می‌رود.

مجموعاً معتقدم که داریم عقلانی‌تر با قضیه برخورد می‌کنیم اما این کافی نیست به نظرم هنوز بزرگ‌نمایی روی خرابکاری متمرکز است. فکر می‌کنم این روند مبارکی است و نباید هراس داشته باشیم که مردم تحرک و شادی کنند. من با هر نوع کنترل و مهار دولتی برای شادی و نشاط مردم به کلی مخالف هستم.

هست و اصلاً اینها همزاد هستند، منتها، فرهنگ اعتراض را یاد داده‌ایم که قواعد آن چیست و هر کس هرگونه که خواست نمی‌تواند اعتراض کند.

در همین رابطه، نظام ما سقف تحمل خودش را برای مردم تعریف نکرده تا جوان‌های ما همان مقدار جنب و جوش و تحرک کنند. بنابراین یک تأخر فرهنگی هم نسبت به توسعه سیاسی ایجاد شده که اینها، در جایی نسبت به هم چالش پیدا می‌کنند، یک جا باهم رفیق می‌شوند، علیه توسعه سیاسی بروز می‌کنند، یعنی هیجان تخلیه نشده‌ای وجود دارد و جایی باید سوپاپ بخار عمل کند یعنی می‌باید برای این دیگ جوشان، سوپاپ گذاشته می‌شد منتها آقایان تا حال یادشان نبوده اما امروز احساس خطر می‌کنند و به نظر من این احساس مبارکی است و جایی خوب برای تغییر برنامه ریزی‌های دولت به سمت زندگی با مردم است.

به نظر شما، این رویدادها تهدید هستند؟

- به نظر من، اینها هیچ یک تهدید نیستند، بلکه فرصت‌های زیبایی هستند که مردم را فعال می‌کنند. کدام رویداد را می‌شناسید که مانند بازی‌های جام جهانی، دو سه ماه متوالی این چنین مردم را به تحلیل فکری، برنامه‌ریزی، پیش‌بینی و نهایتاً شادمانی و یا غصه خوردن وادارد؟ اجرا دولت توانایی استفاده از این انرژی را ندارد، یکه نکته مثبت آن خوشحالی رایگان مردم است؛ پس بگذارید مردم فریاد بزنند و دختران و پسران آواز بخوانند.

من در جنبش توده‌ای جوانان هیچ خطری نمی‌بینم به شرط اینکه ما دخالت نکنیم، چون هر وقت نیروی انتظامی دخالت کرده و تهدید پیش آمده، مشکل روی داده است. البته من با کنترل این مراسم موافق هستم، یعنی با موارد تخلف، برابر قانون برخورد شود. منتها مبار این بساطی که الان به وجود آمده است، غیر از مهار متخلفان معمولی است؛ یعنی نیروی ضابط قانون نه برای کنترل و فشار بر مردم،

روستاها در روز عروسی، عروس را از حمام بیرون می‌آوردند، او را سوار اسب می‌کردند، مردم هم جلوی اسب عروس و داماد می‌رقصیدند، در میدان بزرگ شهر یا روستا، چوب‌بازی می‌کردند، ساز و دهل می‌زدند، یعنی شادی واقعی جمعی بیرون‌خانه بود حتی در میدان شهر بود. این شادی‌ها حالا به درون سالن‌ها و زیرزمین نقل مکان کرده و اگر نوار یا آهنگی هم پخش شده، نیروهای انتظامی مداخله کرده و جشن را تعطیل کرده است. در عین حال، اگر تعطیل هم نکند، این مجالس که در قسمت مردانه، افراد چند تا چند تا با هم صحبت می‌کنند و شیرینی می‌خورند، با مجالس ترحیم فرقی ندارد. یعنی ما فن‌آوری و نماد شادی را از بین برده‌ایم.

در عین حال، بعد از دوم خرداد و در اثر تبلیغات دوم خرداد، اقبال به سمت توسعه سیاسی بیشتر شده است، یعنی مطالبات جدیدی برای جوان‌ها مورد قبول قرار گرفته که بعضی از آن‌ها هم درست بوده است، یعنی حق جوان‌ها بوده که ما نداده بودیم و باید می‌دادیم.

از سوی دیگر، آموزش و پرورش و دانشگاه، دانش‌آموخته بیرون دادند و سالی دو برابر هم دانشجوی گرفتند ولی اینها نسبت به هم تناسب نداشت یعنی ما تأخر اقتصادی نسبت به توسعه سیاسی داشتیم و بدین ترتیب، توسعه اقتصادمان از توسعه سیاسی عقب ماند و در نتیجه، جوان فارغ‌التحصیل شده، حتی پس از دبیرستان یا راهنمایی، یعنی پس از این که مدرک سوم راهنمایی را گرفت، دید در بازار کار، کار وجود ندارد، همین الان هم بسیاری از کارگاه‌ها به علل مختلف دارند تعطیل می‌شوند یعنی قدرت‌نگذاری کارگران حاضر را نداریم و این که بخواهیم شغل جدید ایجاد کنیم.

از طرف دیگر، توسعه سیاسی ذهن‌ها را سیاسی می‌کند و تفکر خلاق سیاسی ایجاد می‌کند ولی ما به مردم یاد نداده‌ایم که توسعه همراه اعتراض و تظاهرات است. یعنی هر جا سیاست مطرح است، اعتراض و تظاهرات هم